

متن پرسش

در جلسه پنجم تفسیر سوره مبارکه زمر، استاد عالیقدر مثالهایی در رابطه با آیه ۵ فرمودند از جمله جریان بنی صدر را که به تجسم پوشش و افتادن ظلمت شب بر نورانیت روز تعبیر گردید. شاید در این مثال بنده با استاد عزیز هم رای باشم ولی سوال اینجاست که شاهد مثال آوردن برای آیات، گویا از اولوهیت و عظمت آن می کاهد و چه بسا دامنه این تمثیل به شرایط کنونی هم قابل سرایت بشود که مثلاً رییس جمهور را در سایه ای از ظلمت و جریان جناب جلیلی را در نقطه مقابل بنشانیم و قس علی هذا. تبعات چنین فرآیندی چه می شود؟ جایگاه هدایتی قرآن کجاست؟ از یکسو با مثال آوردن و تطبیق آیات به مسائل جاری (خصوصاً در باب مسائل سیاسی) با تبعاتی مواجه هستیم و از سوی دیگر ماندن در الفاظ آیات و اکتفاء به تعبیر کلی، جنبه هدایتی قرآن در حد یک اکرام و احترام سنتی و بوسیدن و بر چشم نهادن و تبرک تقلیل می یابد. استاد گرانقدر چاره چیست؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال به ما توصیه شده است به کمک قرآن، جایگاه مسائل روز خود را مشخص کنیم و در همین رابطه، امروز از واژه «صبر» معنای «مقاومت» را به عنوان یک فرهنگ مدّ نظر می آوریم در عین آن که صبر در قرآن محدود به مقاومت مورد بحث نیست. این جا است که ما موظف هستیم در تطبیق واژه ها به امور، به شرایط تاریخی که آن واژه تعریف شده توجه کنیم تا گرفتار نوعی تحجّر و سطحی نگری نباشیم. موفق باشید